

خدا جون سلام به روی ماهت...

بُموگند و صورت کچاپی ۱

حکم سلطنتی چاخان پاخان



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

تصویرگر صورت کی چابی

حکم سلامتتی جان دوہرتی
سیاسان کالفر جاخان پافان



سرشناسه: دوئرتی، جان، ۱۹۶۴ - م.
Dougherty, John, 1964

عنوان و نام پدیدآور: حکم سلطنتی چاخان-پاخان / نویسنده: جان دوئرتی؛ تصویرگر: دیوید تازیمان؛ مترجم: ساسان گلفر.
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۹۱ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک: ۳-۸۸۵-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Stinkbomb & Ketchup-Face and the badness of badgers, 2014
موضوع: داستان‌های نوجوانان انگلیسی-- قرن ۲۱ م.

موضوع: Young adult fiction, English-- 21st century

شناسه‌ی افزوده: تازیمان، دیوید، تصویرگر

شناسه‌ی افزوده: Tazzyman, David

شناسه‌ی افزوده: گلفر، ساسان، ۱۳۴۹ - مترجم

رده‌بندی کنگره: PZV/۱

رده‌بندی دیویی: [ج ۸۲۳/۹۲]

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۶۰۹۷-۸۲

۷۱۴۳۷۰۱



انتشارات پرتقال

بُموگند و صورت‌کچاپی ۱: حکم سلطنتی چاخان-پاخان

نویسنده: جان دوئرتی

تصویرگر: دیوید تازیمان

مترجم: ساسان گلفر

ویراستار: زهرا فرهادی‌مهر

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: حمیده سلیمانی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / مینا فیضی - آزاده توماچ‌نیا

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۳-۸۸۵-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: کاج

صحافی: مهرگان

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



و - تقدیم به دو تا جوچه کوچولوهای استرالیایی من، هالی و ژنویو، با عشق
از طرف عمویتان جان.

و - مثل همیشه - تقدیم به بمبوگند و صورت کچاپی اصلی،
یعنی همان نواه و کارا با تمام عشق من. این کتاب حتی بیشتر
از همی آن کتابهای دیگر، تقدیم به شما.

ج.د



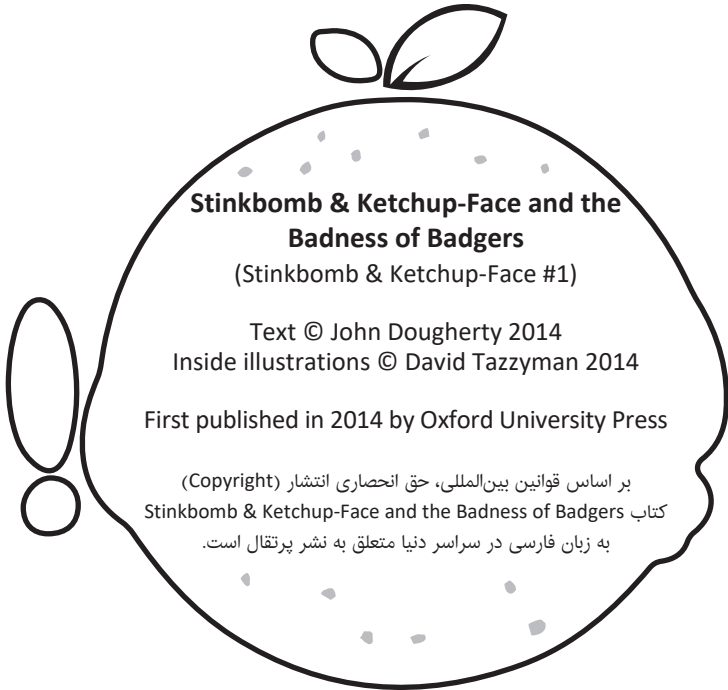
تقدیم به اسکار و آلیس.

د.ت



این کتاب را نویسنده و تصویرگرش تقریباً به تمام بچههای دنیا تقدیم کردند
غیر از دختر من، برای همین من هم آن را به پانته آ تقدیم می‌کنم.
س.گ






**Stinkbomb & Ketchup-Face and the
Badness of Badgers**

(Stinkbomb & Ketchup-Face #1)

Text © John Dougherty 2014
Inside illustrations © David Tazzyman 2014

First published in 2014 by Oxford University Press

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)
کتاب Stinkbomb & Ketchup-Face and the Badness of Badgers
به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر پرتقال است.

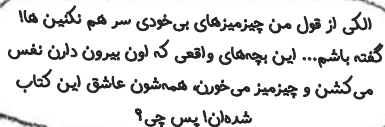


هشدار: عوارض جانبی شامل اشک
ریختن از فرط خنده، قهقهه زدن مثل
دیوانه‌ها، درد گرفتن عضلات صورت،
پایین آمدن فک و همچنین درد گرفتن
اعماق شکم هنگام ریسه رفتن! خیلی
مواظب باشید!

شارلوت

کتاب راستی‌راستی خنده‌داره؛ یعنی
بگم ها، دلت رو می‌گیری از خنده! من
صد درصد، بلکه هم بیشتر، فکر می‌کنم
هر آدم دیگه‌ای هم این کتاب رو بخونه،
راستی‌راستی کیف می‌کنه!

اوون



الکی از قول من چیزهای بی‌خودی سر هم نکنین ها!
گفته باشم... این بچه‌های واقعی که اون بیرون دارن نفس
می‌کشن و چیزهای می‌خورن، همشون عاشق این کتاب
شده‌ن! پس چی؟



کتابی منحصر به فرد و سرشار از بیانات
خنده‌آور و البته شگفت‌آور!

هری

این کتاب خیلی باحاله، حرف
نداره، فتیله داره، نفت نداره!
چاری

من از این داستان بسی لذت بردم.
خنده‌ناک‌آور بود و چیزهایی اندر آن
بود که شما انتظارش را نمی‌توانستید
داشتن، مخصوصاً آن تکه‌های ورجه‌ووورجه
کردن‌های بی‌شمار بر فراز کله‌ها!
کمرون

یک ماجراجویی شگفت‌انگیز!
آلیس



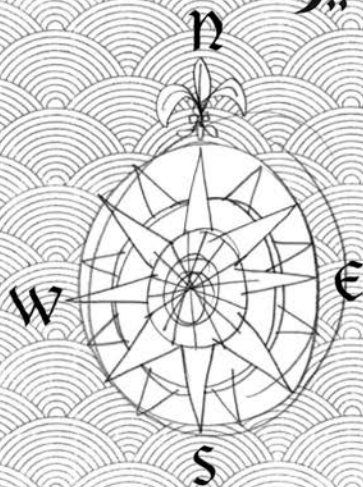
جنگل
افسون شده

نهری تند که آب در آن
شیرش و شالاب شلوب می‌کشد

کاخ سلطنتی



جزیره‌ی گرفافل کبیر



فصل ۱

که در آن قهرمانان ما از خواب بیدار می‌شوند و به کشفیاتی
بزرگ می‌شوند که برفی از سه فازشان می‌پراند

صبح زود بود و سپیده‌دم بر فراز جزیره‌ی آرام و باصفا
و البته کوچک کرفافل کبیر^۱ سر بر می‌آورد. خورشید
طلایی‌رنگ از افق سرک کشید، همه‌جا را پایید تا مطمئن
شود کسی نگاهش نمی‌کند، آن‌گاه آهسته و آرام، آسمان
آبی را گرفت و خود را بالا کشید.

جایی در آن پایین، خیلی خیلی پایین‌تر از خورشید،
روی یک درخت بلند، در باغ خانه‌ای زیبا، بالای دامنه‌ی
تپه‌ای در بالای روستای کوچک لوز چیبینگز - که حتماً
اسمش را از آن‌همه شن و ماسه‌ی پخش و پلا در منطقه

۱. Great Kerfuffle: در زبان انگلیسی یعنی جار و جنجال بزرگ



گرفته و الا ساکنانش مرض نداشتند که چنین اسمی رویش بگذارند - پرنده‌ای سیاه که اسمش سیاه‌پر بود، گلویش را صاف کرد و آوازی سر داد تا به روز تازه از راه رسیده خوشامد بگوید.

درون خانه‌ای دوست‌داشتنی، در اتاق خوابی صورتی‌رنگ و زیبا، دختر کوچولویی چشم‌های خود را باز کرد و از رختخواب سُر خورد و آمد بیرون. دوید به طرف پنجره و کرکره را کشید تا باز شد. پرتوی آفتاب درخشان به داخل خانه جاری شد و با خود بوی خوش شکوفه‌ها را آورد که بر نسیم خنک صبح سوار شده بود، انگار درخت هم داشت خوشامد می‌گفت و چاق سلامتی می‌کرد که

